



۲۰۱۷/۰۱/۲۸



سید همایون شاه عالمی

زمستان تلخ است



تلخ است زمستان بدین برف پریشان
زنگوله سر بام که یخ بسته خیابان
ای باد کمی رحم تو بر حال یتیمان
آن پهنه طوفان کم آهسته بشوران
ای شیشه یخ ظالم آن کوچه باریک
بر حال زن بیوه کمی دل، تو بسوزان
کو صندلی گرم که آرام بخوابد
آن طفلک بدبخت دگر بیش مرنجان
پولدار کی از حال فقیری بدرآید
تاکی به پریشانی سراسیمه و نالان